

کلیسای لوتری مستقل. انجمن تثلیث در کلیسای لوقا در شهر لایپزیگ

۲۸ نوامبر ۲۰۲۱: ۱ هفته ای که آمدن عیسی را پیش بینی می کند.

ارمیا ۲۳، ۸۵

خداوند می فرماید: «هان، روزهایی می آید که 'شاخه‌ای' عادل برای داوود بر پا می‌کنم؛ پادشاهی که به خردمندی سلطنت خواهد کرد، و عدل و انصاف را در این سرزمین به اجرا در خواهد آورد. 6 در ایام او یهودا نجات خواهد یافت، و اسرائیل در امنیت به سر خواهد برد؛ و نامی که بدان نامیده خواهد شد این است: 'یهوه عدالت ما'». 7 پس خداوند می فرماید: «هان ایامی می آید که دیگر نخواهند گفت، 'سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از سرزمین مصر بیرون آورد'، بلکه 'سوگند به حیات یهوه که نسل خاندان اسرائیل را از سرزمین شمال و از تمامی سرزمینهایی که آنان را بدان‌جا رانده بود، بیرون آورده است.'» آنگاه آنان در سرزمین خویش ساکن خواهند شد.»

زمانی که ارمیا نبی پیشگویی می کرد، دوران سرنوشت ساز بود و آینده نسل های بعدی قوم اسرائیل را تعیین کرده است. ما در تاریخ کوتاه مان نیز چنین زمان هایی را می شناسیم. برخی از انتخاب‌های نادرست در گذشته باعث رنج‌های زیادی بری نسل های بعدی در آینده بودند.

زمانی که ارمیا از 'شاخه‌ای' آینده داوود صحبت می کرد ۵۹۷ قبل از میلاد بود. اورشلیم قبلاً توسط بابلیان تصرف شده بود. اگرچه شهر هنوز ویران نشده بود، طبقات اجتماعی بالا رُبوده شدند و پادشاه به اسارت برده شده بود. یک دولت بابلی دولت بنی اسرائیل را جایگزین کرد. با این حال، اکثر بنی اسرائیلیان اجازه داشتند در اسرائیل بمانند. یهودیان حتی دوباره پادشاه خودشان را بدست آوردند. آن پادشاه، عموی شاه مخلوع شده بود. نبوکدنصر او را به عنوان پادشاه دست نِشانده منصوب کرد. و او را صدقیا نامید، که معنی آن اسم «عادل خدا» است. صدقیا، مانند تمام اجدادش تا سلیمان، از نظر خون و اصل، از فرزندان واقعی داوود بود.

با این حال، او مانند بسیاری از پیشینیان خود، عدالت خدا را در نظر نداشت. همچنین عدالت خدا راهنمای سلطنت او نبود. در عوض در طول ده ساله سلطنتش افکار خودش را دنبال می کرد و او همچنین توسط مشاورانش بیشتر و بیشتر به ماجراجویی قانع شد. ارمیا می دانست چه اتفاقی خواهد افتد و هشدار می داد، اما بیفایده بود. این ماجرای پادشاه به شورش علیه قدرت جهانی بابل انجامید. پادشاه صدقیا سوگند وفاداری را که برای نبوکدنصر یاد کرده بود شکست. به این دلیل محاصره دوم اورشلیم بدتر از اولی بود. خون ریزی بیشتری نتیجه آن شورش بود. شهر سوخته و ویران شد. و این بار تقریباً همه مردم ربوده شدند. آنها ۷۰ سال در بابل اسیر بودند.

ارمیا همه اینها را بارها و بارها با کلمات تکان دهنده پیشگویی کرده بود. و توصیه کرده بود بهتر است با سکوت و امید به خداوند توکل کنند. ماجراجویی احمقانه بیفایده بود. بر عکس آنها بایستی صبور می بودند و یاد می گرفتند که صبور باشند تا زمانی که خداوند اجازه بدهد سرنوشت بهتری شروع شود. خود خدا پروردگار تاریخ است، پروردگار مردمان و حاکمان کل جهان است و عدالت خود را اجرا خواهد کرد. اما آنها سخنان ارمیا را نادیده گرفتند و مردم و کشور به طور کامل و برای مدت طولانی ویران شد.

اما ارمیا که همه اینها را دید چگونه می‌توانست اصلاً از امید آینده صحبت کند؟

به‌ویژه، چگونه می‌توانست در مورد یک شاخه عادل جدید داوود، پادشاه و شبان خاندان داوود صحبت کند، زیرا همان پادشاهان به طوری کلی شریک بودند؟ و چگونه می‌توانست انتظار داشته باشد که اسرائیل دوباره در سرزمین خود زندگی کنند؟ آنچه او در روزگار می دید جز خون و آوار و اشک در مکانی بیگانه نبود. و هیچ کس همه اینها را بهتر از ارمیا نمی دانست که دستور خدا را اجرا کرد که پیشگویی همین ویرانی بود.

اما همانجا می‌توانیم ببینیم که ارمیا افکار خود را دنبال نمی‌کرد، بلکه تنها به افکار خدا تمرکز می‌کرد. او نه به نام خود، بلکه به نام خداوند سخنرانی می‌کرد. و دقیقاً همان کلمات برای او رنج زیادی به همراه داشت. نور امید از سینه خودش بیرون نیامد - - به نور امیدی که خداوند به او داد با وجود قضاوت سخت هنوز وفادار ماند و خواست وعده‌های قبلی را اجرا کند.

و به همین دلیل، ارمیا توانست کلماتی مانند این را بگوید:
«هان، روزهایی می‌آید که 'شاخه‌ای' عادل برای داوود بر پا می‌کنم؛ پادشاهی که به خردمندی سلطنت خواهد کرد، و عدل و انصاف را در این سرزمین به اجرا در خواهد آورد. کدر ایام او یهودا نجات خواهد یافت، و اسرائیل در امنیت به سر خواهد برد؛ و نامی که بدان نامیده خواهد شد این است: 'یهوه عدالت ما'».
ابتدا خدا از طریق ناتان نبی به داوود وعده داد که پادشاه عادل خواهد آمد. از نظر سیاسی، به نظر می‌رسید که خداوند به این وعده عمل نخواهد کرد. لذا برخی گمان کردند که خداوند به وعده خود عمل نمی‌کند.

نه، ارمیا می‌گوید، هرگز، هرگز! زیرا خداوند چنین می‌فرماید:
«هان، روزهایی می‌آید که 'شاخه‌ای' عادل برای داوود بر پا می‌کنم:» ارمیا در مورد چگونگی و زمان وقوع این اتفاق خبر نداشت. چگونه می‌توانست چنین چیزی را تصور کند وقتی همه چیز مخالف آن بود. دوران تازه را فقط از اعمال و گفتار خدا می‌توان استنباط کرد: و خدا گفت: «می‌خواهم آنها را بیدار کنم!» خدا به همه سخنانش وفادار است، او همچنین کلام ناتان به داوود را حذف نمی‌کرد. او اجازه داد که به طرز شگفت‌انگیزی برآورده شود.
خداوند به سخنان خود جامه عمل پوشاند. او این کار را عمیق‌تر و واضح‌تر از آنچه ارمیا تصور می‌کرد انجام داد. و این به این دلیل است که منظور او سیاست نبود بلکه به معنای معنوی بود. پادشاهی که قرار بود بیاید، پادشاه حقیقت بود که پادشاهی او سراسر جهان را در بر گرفت. و حتی به پادشاهی ابدی خدا منتهی شد. عیسی مسیح، پادشاه نجات و شبان نیکو برای مردم از همه ملت‌ها و زبان‌ها است که به صدای او گوش فرا می‌دهند. و به همه کسانی که از او کمک می‌خواهند عدالت او داده می‌شود و می‌توانند از طریق عیسی منجی ما در پیشگاه خدا بایستند.

بنابراین در دوران تاریک، کلام با شکوه، به عیسی مسیح تحقق یافت. از نظر سیاسی، مردم اسرائیل دیگر هرگز به ملت بزرگ تبدیل نشده‌اند. بعدها اسرائیل فقط استانی از امپراتوری ایران بود. پس از آن مدت طولانی تحت حاکمیت سوریه. پس از شورش کوتاهی توسط مکابیان، آنها تابع رومیان شدند. اما دیگر هرگز پادشاهی از خاندان داوود وجود نداشت. پادشاهی، هیرودیس، که رومیان تیرک کردند یک یهودی واقعی نبود و با شجره‌نامه داوود نیز کاری نداشت.

و به این ترتیب ۶۰۰ سال بین ارمیا و عیسی گذشت. بنی اسرائیل فراموش شدند. اما خدا می‌دانست که چه می‌خواهد انجام دهد. و خداوند آنچه را که وعده داده است انجام داد. آنچه را که مردم قبلاً فراموش کردند، خدا در روزگار خود باز خرید کرد. خدا گفت: «شاخه‌ای' عادل برای داوود بر پا می‌کنم» فرزند صالح آن کسی بود که مریم در بیت لحم به دنیا آورد. و یوسف او را به فرزندی پذیرفت. او عیسی مسیح است.

ما به درستی می‌توانیم او را بخوانیم: «خداوند عدالت ماست.» تحت او ما یاری می‌شویم و زیر سایه او به صلاح و آرامش می‌رسیم. او به ما کمک می‌کند تا با خدا زندگی می‌کنیم و در او اقامت داشته باشیم. و در قلب پدر باشیم. او خانه همیشگی و ابدی ماست. در تاریخ ما نیز روزگار پرآشوب، سردرگم و تهدیدآمیز است. ما آرزوی این زمان‌های تاریک را نداریم و همچنین برای صلح و آرامش دنیوی و آزادی دعا می‌کنیم. اما آیا می‌دانیم چه چیز دیگری در انتظار ماست؟ اکنون آنچه باید بیاید، خواهد آمد. هم در تاریخ بزرگ جهان و هم در زندگی خصوصی، ما یک پادشاه و ارباب، یک شبان و ناجی داریم و خواهیم داشت که عشقش قویتر از مرگ است. و قدرت او ما را حتی از هلاکت نجات می‌دهد.

خداوند، عدالت ما است، خداوند آرامش ما است، امنیت ما است. این نیز راهی در این زندگی فناپذیر است.

فرزند داوود، عیسی، معجزه‌آمیزترین وجه عدالت و صلح ما است. راهی که فقط خدا می‌تواند تصور و اجرا کند. یعنی: فرد صالحی جان خود را برای ستمکار به عنوان قربانی بدهد. و خدا عیسی را که مصلوب شده بود از مرگ رستاقیز کرده است. تا زندگی جاودانی بر همه حکومت کند. به واسطه او می‌توانیم با خدا زندگی کنیم، با آمرزش گناهان، به زندگی امیدوار می‌شویم. و ما به حق اقامت در خانه پدری ابدی امیدواریم، زیرا پادشاه و شبان از ما پیش رفته است و از ما مراقبت می‌کند. از طریق او به خانه می‌رسیم. از طریق عیسی ما شریک یک داستان طولانی هستیم و همچنین با سخنان امید ارمیا مرتبط هستیم.

قوم خدا دوباره به خانه خواهند آمد. با شکوه تر و پایدارتر از اسرائیل که اجازه یافت از مصر به سرزمین پدران بازگردد.

تمام وعده های دیگر در مورد پادشاهی بنی اسرائیل محقق نشد. نه حتی از طریق سرزمین اسرائیل. آنها فقط در عیسی برآورده شدند. و خدا همه مردم را از سراسر جهان و از همه زبانها به خانه ای جدید و به اورشلیم جدید هدایت می کند. همانطور که رسول پولس یک بار گفت: "اورشلیم که در بالاست... او مادر همه ماست." (غلاطیان ۴، ۲۶) این سرزمین موعود بین دریای مدیترانه و دره اردن نیست. از طریق عیسی خانه بهتری به دست آمده و به روی ما گشوده شده است: بهشت ابدی و سرزمین پدری است، آسمان جدید است و زمین جدید است، که در آن عدالت سکونت می کند.

همه کسانی که به شاخه صالح داوود، عیسی ایمان دارند، به آنجا خواهند رسید. همه کسانی که می گویند: "خداوند عدالت ماست." خداوندا کمک کن تا با آنها باشیم. آمین